



Research Article

Evaluation of Attitude and Use of Complementary and Alternative Medicine in Doctoral Graduates of Mazandaran University of Medical Science

Ebrahim Nasiri ^{1,*}, Fatemeh Jafari ², Reza Nasiri ³

¹ Department of Anesthesiology, Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

² Department of History of Medical Sciences, Mazandaran University of Medical Science, Sari, Iran

³ Emergency Department Physician, 17 Shahrivar Hospital, Mazandaran University of Medical Sciences, Amol, Iran

* **Corresponding author:** Ebrahim Nasiri, Department of Anesthesiology, Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. E-mail: rezanf2002@yahoo.com

DOI: [10.61186/cmja.13.1.52](https://doi.org/10.61186/cmja.13.1.52)

How to Cite this Article:

Nasiri E, Jafari F, Nasiri R. Evaluation of Attitude and Use of Complementary and Alternative Medicine in Doctoral Graduates of Mazandaran University of Medical Science. *Complement Med J.* 2023;**13**(1):52-59. DOI: [10.61186/cmja.13.1.52](https://doi.org/10.61186/cmja.13.1.52)

Received: 27 Apr 2022

Accepted: 07 Jun 2023

Keywords:

Complementary Medicine

Medical Doctor

Attitude

Primary Care

Satisfaction

© 2023 Arak University of Medical Sciences

Abstract

Introduction: Information about the use and attitude of medical students towards complementary medicine is needed to determine its place in conventional medicine. The aim of this study was to determine the attitude and use of complementary medicine in general and specialized doctoral graduates of Mazandaran University of Medical Sciences.

Methods: In this descriptive-analytical study, the attitudes of medical graduates were determined with a 23-item questionnaire and the use of 17 complementary medicine methods with a checklist, and the level of satisfaction at four levels. Quantitative variables were analyzed with ANOVA and qualitatively from Chi 2.

Results: The attitude score of 276 participants in this study was 73 ± 9.2 (39 to 79). There was no statistical difference between the attitudes of the four educated groups ($p=0.436$). 80 people (29%) believe that complementary medicine treatment methods are placebo effect and 103 people (37.3%) believe that there is no scientific evidence for the safety of complementary medicine use. 66 people (23.9%) had a positive attitude towards complementary medicine and 23 people (8.4 percent) had a negative attitude, 91 people (33 percent) used at least one of the complementary medicine methods. The most common method of massage therapy was 33 people (12 %). 38(41.8 %) people of the users of massage, acupressure, meditation and energy therapy methods had good satisfaction.

Conclusions: A quarter of doctoral students had a positive attitude towards complementary medicine methods. Considering the widespread use of complementary medicine methods by people in different societies of the world and the interference of these methods with conventional medicine in the matter of care and treatment. It is recommended to develop a curriculum and research program to familiarize and improve the attitude of all students of medical sciences towards complementary medicine methods.



بررسی نگرش، رضایت مندی و استفاده از طب مکمل و جایگزین در دانش آموختگان

دکتری علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷

ابراهیم نصیری^{۱*}، فاطمه جعفری^۲، رضا نصیری^۳

^۱ گروه هوشبری و اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی ساری مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل و پژوهشکده اعتیاد ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۲ گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده پیراپزشکی ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۳ گروه اورژانس، بیمارستان ۱۷ شهریور، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، آمل، ایران

* نویسنده مسئول: ابراهیم نصیری، گروه هوشبری و اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی ساری مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل و پژوهشکده اعتیاد ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. ایمیل: rezanf2002@yahoo.com

DOI: 10.61186/cmja.13.1.52

چکیده	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷
مقدمه: اطلاعات درمورد استفاده و نگرش دانش آموختگان گروه پزشکی نسبت به طب مکمل برای تعیین جایگاه آن در طب رایج نیاز است. هدف مطالعه، تعیین نگرش و میزان استفاده از طب مکمل در دانش آموختگان دکتری عمومی و تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود.	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷
روش کار: در این مطالعه مقطعی-تحلیلی، نگرش دانش آموختگان دکتری علوم پزشکی با پرسشنامه ۲۳ سوالی و میزان استفاده از ۱۷ روش طب مکمل با چک لیست، و میزان رضایت در چهار سطح تعیین شد. برای تحلیل متغیرهای کمی با ANOVA و کیفی از Chi 2 انجام شد.	واژگان کلیدی: طب مکمل دکتری پزشکی نگرش مراقبت‌های اولیه رضایت‌مندی
یافته‌ها: نمره نگرش ۲۷۶ شرکت کننده در این مطالعه برابر $9/2 \pm 73$ (۳۹ تا ۷۹) بود. بین نگرش چهار گروه دانش آموخته تفاوت آماری وجود نداشت ($P = /436$). ۸۰ نفر (۲۹ درصد) روش‌های درمانی طب مکمل را اثر دارونما و ۱۰۳ نفر (۳۷/۳ درصد)، به عدم وجود شواهد علمی برای ایمنی استفاده از طب مکمل معتقد بودند. ۶۶ نفر (۲۳/۹) درصد به طب مکمل نگرش مثبت و ۲۳ نفر (۸/۴) درصد نگرش منفی داشتند، ۹۱ نفر (۳۳ درصد) حداقل یکی از روش‌های طب مکمل استفاده کردند. بیشترین روش ماساژ درمانی ۳۳ نفر (۱۲ درصد) بود. ۲۷ نفر (۴۱/۸٪) استفاده کنندگان از روش‌های ماساژ، طب فشاری، مدیتیشن و انرژی درمانی رضایت مطلوب داشتند.	تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی اراک محفوظ است.
نتیجه گیری: یک چهارم دانش آموختگان دکتری به روش‌های طب مکمل نگرش مثبت داشتند. عنایت به گستردگی استفاده مردم در جوامع مختلف دنیا از روش‌های طب مکمل و تداخل احتمالی این روش‌ها با طب رایج در امر مراقبت و درمان وجود دارد. تدوین برنامه درسی و تحقیقاتی برای آشنایی و بهبود نگرش همه دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی نسبت به روش‌های طب مکمل توصیه می‌شود.	

مقدمه

غیرعلمی و کم‌اثر معرفی می‌کنند ولی در شرایط غیر بحرانی و غیر اورژانس مناسب می‌دانند. فراوانی بکارگیری طب مکمل و جایگزین در بعضی از بیماران و شرایط خاص مثل یائسگی به ۴۰ تا ۷۶ درصد می‌رسد و در بعضی از مطالعات میزان مصرف آن تا ۹۸ درصد گزارش شد (۴). مطالعه‌ای نشان می‌دهد که میزان فراوانی بکارگیری حداقل یکی از روش‌های طب مکمل و سنتی در تهران برابر ۶۶/۳ درصد در سطح جامعه می‌باشد. در مطالعه طهرانی بنی هاشمی و همکاران طب مکمل و سنتی به انواع روش‌های دعا درمانی، گیاهان دارویی، حجامت، کایروپراکتیک، طب فشاری، هومیوپاتی، یوگا، هیپنوتیزم و آب درمانی و موارد دیگر تعریف شد. آگاهی مشارکت کنندگان در این مطالعه بیشتر مربوط به استفاده از داروهای گیاهی (۹۴/۵ درصد) بوده است.

طب مکمل و جایگزین به زمینه‌های درمانی و مراقبتی خیلی گسترده اطلاق می‌شود که بر مبنای درمان‌های رسمی رایج و مدرن نمی‌باشد و با نام‌های مختلفی مثل طب مکمل و سنتی و یا طب مکمل و جایگزین و یا طب مکمل استفاده می‌شود. طب مکمل شاخه‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها که برخاسته از فرهنگ بومی و تاریخی ملل می‌باشد در اکثر مطالعات طب مکمل و جایگزین شامل طب سوزنی، ماساژ درمانی، آیوریدا، یوگا، گیاه درمانی، طب سنتی چین، و در پاره‌ای از موارد طب سنتی هندی، طب یونانی و طب سنتی ایرانی می‌باشد که در پاره‌ای از موارد در برخی از این روش‌ها که شواهد لازم علمی داشته باشند به عنوان جایگزین روش‌های طب مدرن قرار می‌گیرند (۱-۳). برخی مطالعات روش‌های طب مکمل و جایگزین را عموماً درمان‌های

آنان به استفاده از طب مکمل و جایگزین در کنار طب مدرن اهمیت زیادی دارد و برای برای ارتقای سلامت مردم، نگاه جامع آنان به روش‌های متعدد طب مدرن و یا طب مکمل ضروری به نظر می‌رسد. از آنجائیکه هیچ گونه اطلاعاتی از نگرش، و بکارگیری رفتارهای جامعه پزشکی پیشگفت در دست نیست، هدف این مطالعه تعیین نگرش و میزان استفاده از طب مکمل در دانش‌آموختگان دکترای عمومی و تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود

روش کار

این مطالعه به صورت مقطعی - تحلیلی Cross-sectional می‌باشد. این تحقیق بر روی دانش‌آموختگان دکتری عمومی رشته‌های پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی و دکتری تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۹۶-۹۷ انجام شد. معیارهای ورود برای دانشجویان شامل قبولی و پایان دوره دکتری عمومی یا تخصصی که برگ تسویه حساب از دانشکده و امور دانشجویی دانشگاه را داشتند و رضایت جهت مشارکت در تحقیق و تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق به صورت خود ایفا، را داشتند. ناقص پر کردن پرسشنامه به عنوان معیار خروج بود. دانش‌آموختگان بعد از اعلام زمان دانش‌آموختگی از دانشکده‌های دانشگاه تا مدت شش ماه، می‌توانستند در مطالعه شرکت نمایند.

حجم نمونه بر مبنای مطالعات قبلی با میزان علاقمندی و نگرش مثبت و استفاده از طب مکمل بین ۶۴ تا ۹۰ درصد بر آورد شد (۱۲-۱۵). با عنایت به حداقل میزان نگرش مثبت و آگاهی و بکارگیری از روش‌های طب مکمل به میزان ۶۵ درصد مطالعات قبلی، حجم نمونه بطور جداگانه برآورد گردید. برای برآورد حجم نمونه با حدود اطمینان ۹۵ درصد، و خطای آلفای ۵ درصد، و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه برای تعیین صفت در یک جامعه، برابر ۲۴۲ نفر برآورد شد، که با توجه به برآورد حدود بیست درصد احتمال عدم تکمیل پرسشنامه توسط شرکت کنندگان حجم نمونه برابر ۲۹۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود که با توجه به برآورد نمونه به تعداد ۲۹۰ نفر و تعداد کلی دانش‌آموختگان هر رشته، به صورت طبقه‌ای و سهمی به ترتیب برای رشته‌های پزشکی عمومی ۳۵ درصد، داروسازی ۳۰ درصد، دندانپزشکی ۲۳ درصد و دکتری تخصصی ۱۲ درصد از کل نمونه‌های برآورد شده در نظر گرفته شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، بعد از تنظیم فرم‌های جمع‌آوری، و اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی‌ها، و اخذ رضایت، فرم‌ها در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. دانش‌آموختگان بتدریج جهت تسویه حساب در سال ۱۳۶۶-۱۳۶۷ در امور دانشجویی دانشگاه که آخرین مرحله دانش‌آموختگی آنان بوده است، در صورت رضایت به صورت خود ایفا فرم‌ها را تحویل و تکمیل می‌کردند و بعد از جمع‌آوری داده‌ها وارد برنامه نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ می‌شد. فرم جمع‌آوری داده‌ها از سه بخش اطلاعات جمعیت شناختی شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، و هم چنین ۲۳ عبارت نگرشی مرتبط با طب مکمل در طیف پنج حالت لیبرت در سطوح کاملاً موافق، موافق، نه مخالف و نه موافق، مخالف، و کاملاً مخالف در نظر گرفته شد و کاملاً موافق با نمره ۵، و کاملاً مخالف برابر نمره ۱ در نظر گرفته شد. برای سنجش نگرش از پرسشنامه ۲۳ سوالی در پنج طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و با نمره ۵ تا ۱ برای هر سؤال استفاده شد. سؤالات پرسش نامه با استفاده از منابع و مطالعات

رضایت از روش‌های یوگا درمانی/مدیتیشن بیشتر بود (۵). گرایش به تحقیقات در زمینه طب مکمل، از یک سو مورد توجه متخصصین گروه‌های مرتبط با سلامت قرار دارد تا با تولید شواهد علمی مناسب مبنی بر ایمنی و اثربخشی این روش‌ها برای بیماری‌ها از جمله بیماری‌های نوپدید و مشکلات ناشی از آن و یا حل عوارض متعدد ناشی از روش‌های درمانی جدید ایجاد کنند و از طرف دیگر با توجه با گسترش استقبال عمومی مردم به استفاده از روش‌های طب مکمل در پیشگیری یا درمان بیماری‌های مختلف در سراسر جهان، ضرورت توجه به طب مکمل را بطور وسیع‌تری ایجاب می‌کند (۶، ۷). بطور کلی طب مکمل و جایگزین، به منظور حفظ سلامت، مراقبت و درمان بیماری‌های مختلف در کنار طب مدرن بیش از پیش در سراسر جهان مورد توجه قرار دارد و استفاده از آن در حال افزایش است. سازمان بهداشت جهانی اشاره دارد که برای ترویج و استفاده صحیح از طب مکمل توسط کارکنان و مردم، آموزش و آشنایی متخصصین گروه‌های بهداشت و درمان نیاز می‌باشد (۸). مطالعات متعددی در خصوص باورها، آگاهی و میزان استفاده طب مکمل در جهان و همچنین استان‌های مختلف ایران انجام گرفته است و بیشتر این مطالعات در خصوص جوامع عمومی و بیماران مختلف از جمله بیماران سرطانی بود. با عنایت به اینکه متخصصین و پزشکان دانش‌آموخته جوان در ارتقای سلامت جامعه و روش‌های حفظ سلامت، و پیشگیری یا درمان بیماری‌ها نقش مؤثر و مهمی دارند و جامعه هم به غیر از روش‌های طب نوین از روش‌های متعدد طب مکمل استفاده می‌کنند لذا نگرش و رویکرد دانش‌آموختگان دکتری که در طی دوران دانشجویی از برنامه آموزشی طب مدرن بهره‌برده‌اند ولی بخش مهم طب مکمل هم برای ورود به عرصه جامعه جهت مدیریت سلامت مردم با اهمیت خواهد بود (۵-۸). با توجه به اینکه انواع روش‌های طب مکمل ممکن است طبیعی قلمداد شوند ولی امکان عوارض بالقوه و تداخل پیامدهای آن با روش‌های مراقبتی و درمانی طب مرسوم وجود دارد، ضرورت تعیین نگرش این گروه به طب مکمل بیشتر می‌شود. دانش‌آموختگان رشته‌ها و گروه‌های پزشکی بلافاصله در جامعه و بطور مستقیم به ارائه خدمات پزشکی می‌پردازند و نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامت مردم دارند و شاید بسیاری از روش‌های طب مکمل در کنار آموزه‌های طب مدرن کمک کننده باشد و یا در مواردی موجب تداخل و یا مشکلاتی در فرایند مراقبتی و درمانی بیماران ایجاد کند. آگاهی از نگرش و عملکرد و تجارب آموزشی آنان در طی دوران دانشجویی دانش‌آموختگان گروه پزشکی، می‌تواند برای سیاستگذاران برنامه‌های آموزشی که به فکر ارتقای سلامت مردم و جامعه هستند مفید خواهد بود. مطالعات قبلی میزان عدم آگاهی برخی از رشته‌های تخصصی مثل درماتولوژیست‌ها از طب مکمل را حدود ۵۸ درصد گزارش کرده است و ۶۰ درصد آنان نگرش مثبتی به طب مکمل داشتند و علاقمند بودند که آموزش ببینند. بیش از ۶۲ درصد پزشکان گزارش نمودند که با سؤالات متعددی از سوی بیماران در خصوص استفاده از روش‌های طب مکمل روبرو می‌شدند و آگاهی در این زمینه را به عنوان یک نیاز تلقی کردند. گزارشی وجود دارد که تیم مراقبت و درمان علاقمند هستند که از طب مکمل در امور مراقبت و درمان استفاده کنند (۹-۱۱). با توجه با جایگاه دانش‌آموختگان دوره‌های دکتر در رشته‌های داروسازی، پزشکی و دندانپزشکی و متخصصین که آماده خدمت‌رسانی به جامعه بیماران هستند باورها و عملکرد رفتاری

۵۴/۷٪) شرکت کنندگان طب مکمل یک تهدید برای سلامت عموم مردم می‌دانستند.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی ۲۷۶ نفر از دانش آموختگان دکتری شرکت کننده در این مطالعه

متغیر / طبقات متغیر	متغیر (درصد) فراوانی
جنس	
مرد	۱۱۰ (۳۹/۹)
زن	۱۶۶ (۶۰/۱)
رشته	
پزشکی	۹۳ (۳۳/۷)
داروسازی	۸۷ (۳۱/۵)
دندانپزشکی	۶۳ (۲۵/۴)
دکتری تخصصی	۳۳ (۱۲)
وضعیت تأهل	
متاهل	۶۸ (۲۴/۶)
مجرد	۲۰۸ (۷۵/۴)
تجربه آموزشی	
نداشتند	۲۴۶ (۸۹/۱)
داشتند	۳۰ (۱۰/۹)
سن	
(انحراف معیار) میانگین	۲۷/۷ ± ۴/۹

میانگین نمره نگرش شرکت کنندگان در خصوص روش‌های پیشگیری و درمانی طب مکمل برابر $9/2 \pm 7/3$ و حداقل ۳۹ و حداکثر برابر ۷۹ بود. میان نمره نگرش برابر ۷۴ و حداقل محدوده بین چارکی ۶۷ و حداکثر ۷۹ بود.

یک نفر از شرکت کنندگان با استفاده از روش‌های طب مکمل خیلی مخالف و یک نفر خیلی موافق بود. ۶۶ نفر (۲۳/۹٪) شرکت کنندگان رویکرد خوب به طب مکمل داشتند و موافق یا خیلی موافق بودند. سطح نگرش دانش آموختگان رشته پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی در باره روش‌های درمانی طب مکمل در **جدول ۲** نشان داده شد.

جدول ۲. توزیع سطح نگرش دانش آموختگان رشته پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی در باره روش‌های درمانی طب مکمل

سطوح نگرشی	فراوانی	درصد
خیلی ضعیف	۱	۰/۴
ضعیف	۲۲	۸
متوسط	۱۸۷	۶۷/۷
خوب	۶۵	۲۳/۵
خیلی خوب	۱	۰/۴
جمع	۲۷۶	۱۰۰

بالاترین میانگین نمره نگرشی مربوط به لزوم قرار دادن کوریکولوم آموزشی طب مکمل در واحدهای درسی $2/1 \pm 4$ و نمره ضرورت ادغام طب مکمل با طب رایج جهت افزایش ارتقای سلامت برابر $0/9 \pm 3/8$ بود و پایین‌ترین نمره نگرشی دانش آموختگان مربوط به این بود که روش‌های طب مکمل از نظر داشتن آزمایش‌ها و شواهد لازم علمی، کافی است که میزان آن $0/9 \pm 2/3$ بود.

نتایج نشان داد ۲۷/۳ درصد از دانش آموختگان حداقل یک تا دوازده بار از روش‌های طب مکمل را در طی یک سال گذشته استفاده کردند که ۱۶/۳ درصد حداقل یک یا دو روش طب مکمل، ۵/۸ درصد ۳ یا ۴

قبلی توسط پژوهشگر تنظیم شد (۲، ۱۲). برای تعیین روایی صوری پرسشنامه سنجش نگرش دانش آموختگان دکتری پزشکی، به ده نفر از مشارکت کنندگان داده شد با اصلاحات مختصری در ساختار آن تأیید شد. و برای روایی محتوایی به صورت کیفی در اختیار ده نفر از متخصصین و دستیاران طب سنتی و اساتید با تجربه و محقق حیطه طب مکمل رشته‌های پرستاری، پزشکی و پیراپزشکی قرار گرفت و بعد از اصلاحات جزئی مورد تأیید قرار گرفت. برای تأیید پایایی سؤالات نگرشی، در اختیار ۱۴ نفر از مشارکت کنندگان قرار گرفت و همبستگی درونی سؤالات در بخش نگرشی با آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۰۱ مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های نگرشی، در پنج حالت خیلی موافق با نمره (۹۹-۱۱۵) و موافق با نمره (۸۰-۹۸)، نه موافق و نه مخالف با نمره (۶۱ تا ۷۹)، مخالف با نمره (۶۰-۴۲) و خیلی مخالف با نمره (۴۱-۲۳) تحلیل شد. و برای تعیین چک لیست استفاده از روش‌های طب مکمل از چک لیستی متشکل از نام ۱۷ روش طب مکمل معمول و یک سؤال باز که بعد از مطالعه منابع و مشورت متخصصین توسط پژوهشگران تنظیم شد و میزان رضایت استفاده کنندگان از هر یک از روش‌های طب مکمل در چهار سطح خوب، متوسط و کم و بدون تأثیر ارزیابی شد. این چک لیست مکمل روش‌های مختلف طب مکمل بر مبنای مطالعات قبلی (۳-۵)، و مشاوره با ده نفر از کارشناسان حیطه طب مکمل تنظیم شده بود. یافته‌های این تحقیق با استفاده از آمار توصیفی به صورت فراوانی و درصد فراوانی جهت متغیرهای کیفی و شاخص میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای کمی گزارش شد. برای تحلیل متغیرهای کمی از ANOVA و برای متغیرهای کیفی از آزمون کای دو استفاده شد و سطح معنی داری $p < 0/05$ معنی دار در نظر گرفته شد. از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ به منظور تحلیل یافته‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها

نتایج نشان داد ۲۷۶ نفر (۹۵/۲٪) دانش آموختگان دستپاری، دکتری رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی پاسخ دادند. ۴۲/۸٪ به دلیل شخصی ادامه ندادند و یا فرم جمع آوری داده‌ها را ناقص تکمیل کردند. تنها ۱۰/۹ درصد شرکت کنندگان تجربه آموزشی غیر رسمی کوتاه مدت یک روزه از طب مکمل داشتند. مشخصات جمعیت شناختی در **جدول ۱** نشان داده شد.

۴۳ نفر (۱۵/۶ درصد) دانش آموختگان آ در طی یک ماه گذشته، ۵۸ نفر (۲۱ درصد) در طی یک سال گذشته و ۹۱ نفر (۳۳ درصد) در طول زندگی خود از روش‌های طب مکمل استفاده کرده بودند. نگرش ۸۲ نفر (۲۹/۷٪) از دانش آموختگان این بود که اثرات درمانی طب مکمل به دلیل اثر دارونمایی می‌باشد. نگرش ۱۰۳ نفر (۳۷/۳٪) آنان این بود که شواهدی مبنی بر ایمن بودن روش‌های درمانی طب مکمل وجود ندارد. ۹۳ نفر (۳۳/۷٪) روش‌های طب مکمل را غیر علمی و مبهم می‌دانستند و ۸۷ نفر (۳۱/۶٪) مبنای طب مکمل را آنرا از نظر علمی خوب تلقی می‌کردند. ۱۱۱ نفر (۴۰/۲٪) درصد شرکت کنندگان در این مطالعه روش‌های درمانی طب مکمل را نسبت به روش‌های طب رایج کم عارضه تر تلقی می‌کردند. ۱۷۳ نفر (۶۲/۶٪) شرکت کنندگان عقیده داشتند که روش‌های طب مکمل نیاز به شواهد علمی با انجام کارآزمایی بالینی دارد و تنها ۳۰ نفر (۱۰/۸٪) نیازی برای تولیدشواهد علمی در استفاده از روش‌های طب مکمل را نمی‌دانستند. ۱۵۱ نفر

روش و ۵/۴ درصد ۵ تا ۱۲ روش را استفاده کردند. فراوانی مصرف از روش‌های طب مکمل در جدول ۳ نشان داده شد.

جدول ۳. توزیع فراوانی استفاده از انواع روش‌های طب مکمل در ۹۱ نفر از مصرف کنندگان دکتری علوم پزشکی

نام روش	فراوانی	درصد فراوانی
طبیعت درمانی	۱۱	۴
ماساژ	۳۳	۱۲
- مدیتیشن	۱۶	۵/۸
طب سوزنی	۱۰	۳/۷
انرژی درمانی	۹	۳/۳
طب فشاری	۷	۲/۷
آروماتراپی	۶	۲/۲
هیپنوتیزم درمانی	۶	۲/۲
لمس درمانی	۶	۲/۲
هومئوپاتی	۶	۲/۲
طب استئوپاتیک	۴	۱/۴
طب کایرو پراکتیک	۴	۱/۴
آیوریدا	۴	۱/۴
یوگا	۴	۱/۴
درمان ریکی	۳	۱/۱
بیوفیلد تراپی چی گنگ-	۲	۰/۸
جمع		

داده شد نتایج نشان داد که بیش از ۴۲ درصد از طب فشاری و ۳۹/۴ درصد از ماساژ درمانی رضایت خوبی داشتند. برخی از شرکت کنندگان در این مطالعه از یک تا دوازده روش طب مکمل را استفاده کرده بودند. سطوح رضایت مندی از روش‌های طب مکمل در جدول ۴ نشان داده شد.

ماساژ درمانی به عنوان فراوان‌ترین روش طب مکمل بود که توسط ۳۳ نفر (۱۲ درصد) از دانش آموختگان مورد استفاده قرار گرفت و هم چنین ۱۶ نفر (۵/۸ درصد) شرکت کنندگان دانش آموخته دکتری گروه پزشکی به منظور پیشگیری یا درمانی از روش مدیتیشن و ۱۰ نفر (۰/۳۷ درصد) از طب سوزنی استفاده کردند. هم چنین چگونگی رضایت مندی آنان در سطح خوب، متوسط، کم و یا بی تأثیر در جدول ۴ نشان

جدول ۴. سطوح رضایت مندی در استفاده کنندگان از روش‌های طب مکمل به منظور پیشگیری و درمان در طی یک سال قبل

نام روش	میزان رضایت مندی		
	خوب (درصد) تعداد	متوسط (درصد) تعداد	کم (درصد) تعداد
طبیعت درمانی	۴(۳۶/۴)	۳(۲۷/۳)	۰
ماساژ	۱۳(۳۹/۴)	۹(۲۷/۳)	۱۱(۳۳/۳)
- مدیتیشن	۶(۳۷/۵)	۴(۲۵)	۰
طب سوزنی	۱(۱۰)	۵(۵۰)	۳(۳۰)
انرژی درمانی	۳(۳۳/۳)	۳(۳۳/۳)	۰
طب فشاری	۳(۴۲/۸)	۱(۱۴/۳)	۲(۲۸/۶)
آروماتراپی	۱(۱۶/۷)	۲(۳۳/۳)	۳(۵۰)
هیپنوتیزم درمانی	۱(۱۶/۷)	۱(۱۶/۷)	۴(۶۶/۷)
لمس درمانی	۱(۱۶/۷)	۳(۵۰)	۲(۳۳/۳)
هومئوپاتی	۳(۵۰)	۱(۱۶/۷)	۱(۱۶/۷)
طب استئوپاتیک	۰	۲(۵۰)	۱(۲۵)
طب کایرو پراکتیک	۰	۲(۵۰)	۰
آیوریدا	۱(۲۵)	۰	۲(۵۰)
یوگا	۱(۲۵)	۱(۲۵)	۲(۵۰)
درمان ریکی	۰	۰	۲(۶۶/۷)
بیوفیلد تراپی چی گنگ-	۰	۱(۵۰)	۰
جمع	۳۸ (۴۱/۸)	۳۸ (۴۱/۸)	۴۶(۵۰/۵)

مکمل را شامل ایده‌ها و روش‌هایی دانستند که طب رایج می‌تواند از آنها بهره‌مند شود (۱۶). این نتایج با مطالعه حاضر، تفاوت دارد و احتمالاً مربوط به تفاوت در سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان در دو مطالعه می‌باشد و در واقع مشارکت‌کنندگان مطالعه حاضر، درجه علمی بالاتری داشتند و پزشکی مبتنی بر شواهد را در فرایند مراقبت و درمان بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند.

مطالعه مشابهی توسط سارمن با هدف تعیین نگرش کارکنان مراقبت‌های بهداشتی نسبت به طب مکمل در ترکیه انجام شد. روش‌های حجامت (۴۵/۵ درصد)، زالو (۳۰/۹ درصد) و ازن تراپی (۲۷/۵ درصد) بیشترین روش‌های بود که آگاهی و نگرش مثبت داشتند و کایروپراکتیک (۳ درصد) و لارو درمانی (۵/۳ درصد) کمتر بین روش‌های طب مکمل بود که درباره آن‌ها آگاهی و نگرش مثبت داشتند. همچنین مشخص شد که ۵۷٫۹ درصد از شرکت‌کنندگان حداقل از یک روش طب مکمل استفاده کردند و ۸۴٫۴ درصد آن را به دیگران توصیه کردند که نشان از نگرش مثبت آنان به طب مکمل می‌باشد. آن‌ها نتیجه گرفتند که سطح دانش کارکنان مراقبت‌های بهداشتی در مورد طب مکمل کافی بود و اکثریت شرکت‌کنندگان در مطالعه آن را به افراد دیگر توصیه کرده بودند (۱۷). هر چند در مطالعه حاضر روش‌های توصیه شده طب سنتی ایرانی به عنوان بخش مهمی از طب مکمل اشاره نشد ولی در برخی از انواع روش‌های طب مکمل مثل کایروپراکتیک نتایج تقریباً مشابه بود. هر چند به نظر می‌رسد عدم وجود آگاهی و شناخت برای برخی از روش‌های طب مکمل در هر دو مطالعه وجود دارد.

مطالعه ای توسط اشرف و همکاران به منظور تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان داروسازی و غیر داروسازی در مورد طب مکمل انجام دادند و نتیجه گرفتند که ۵۸/۳ درصد دانشجویان داروسازی طب مکمل را اثربخش و مفید مناسب می‌دانستند در حالیکه ۵۰/۲ درصد دانشجویان غیر داروسازی آنرا اثربخش می‌دانستند. هم چنین ۳۴/۱ درصد دانشجویان داروسازی در مقابل ۴۷/۶ درصد دانشجویان غیر داروسازی عقیده داشتند افرادی که طب مکمل را به کار می‌برند، افراد ساده لوحی هستند. آن‌ها نتیجه گرفتند که علیرغم اینکه دانش و آگاهی دانشجویان داروسازی و غیر داروسازی در مورد طب مکمل و جایگزین ضعیف بود ولی نگرش‌ها و باورهای مثبتی در مورد طب مکمل داشتند. آن‌ها آگاهی دانشجویان در مورد برخی از روش‌های طب مکمل مثل یوگا، دعا درمانی، گیاهان دارویی و ماساژ بهتر بود. همچنین دانشجویان برای ارتقای دانش خود در مورد طب مکمل و جایگزین تمایل داشتند و از قرارگرفتن دوره آموزشی طب مکمل و جایگزین در برنامه درسی حمایت کردند (۱۸). برخی از یافته‌های این مطالعه همسو با نتایج مطالعه حاضر می‌باشد نگرش به روش‌های ماساژ درمانی، یوگا و هم چنین علاقمندی به فراگیری بیشتر روش‌های طب مکمل و ضرورت قرار دادن دوره آموزشی آن در برنامه درسی دانشجویان با مطالعه حاضر، همسو بود.

دواتی و همکاران در مطالعه خود گزارش کردند ۸۱/۴ درصد دانشجویان پزشکی نسبت به طب سنتی و مکمل نگرش متوسطی دارند ولی تمایل به یادگیری در آنها قابل توجه بود (۱۹). هر چند ۲۳/۹ درصد دانش

براساس سطح نگرش دانش‌آموختگان در دو حالت مثبت یا منفی با نمره کمتر و برابر یا بیشتر از نمره ۷۱ و تست کای دو χ^2 نشان داد به ترتیب نمره نگرش دانش‌آموختگان رشته داروسازی (۶۵/۵٪)، دندانپزشکی (۵۷/۱٪)، پزشکی (۵۴/۸٪)، و دکتری تخصصی (۴۸/۵٪) بالاتر از ۷۱ بوده است و در واقع نگرش مثبتی به طب مکمل داشتند که آزمون ANOVA تفاوت آماری بین این چهار گروه، گزارش نکرد ($P = ۰/۳۰۳$).

هم چنین آزمون آنالیز واریانس، نشان داد میانگین نمره نگرشی دانش‌آموختگان نسبت به طب مکمل به تفکیک رشته تحصیلی، تفاوت آماری معنی دار ندارند ($P = ۰/۴۳۶$).

مهم‌ترین علل استفاده از روش‌های طب مکمل در دانش‌آموختگان شامل پیشگیری و درمان استرس‌ها، سردرد، کاهش وزن، و دردهای عضلانی گزارش نمودند. از جمله عوارضی که ناشی از بکارگیری روش‌های طب مکمل گزارش نمودند شامل یک مورد پارستزی در اندام و یک مورد عفونت پا متعاقب استفاده از طب سوزنی بوده است. برای تحلیل با استفاده از آزمون آماری T test، میانگین نمره نگرش دانش‌آموختگان زن برابر $۷۳/۸ \pm ۸/۹$ و مردان $۷۱/۵ \pm ۸/۶$ بود و تفاوت معنی دار بود ($P = ۰/۰۳۲$). با توجه به آزمون T-student test تفاوتی بین نمره نگرش دانش‌آموختگان مجرد ($۷۲/۶ \pm ۸/۷$) و متأهل ($۷۳/۸ \pm ۹/۱$) به طب مکمل مشاهده نشد ($P = ۰/۳۲۰$). نگرش دانش‌آموختگان برحسب سن در دو گروه تا ۲۹ سال و بیشتر از آن هم تفاوت معنی دار آماری نداشت ($P = ۰/۱۶۰$). (و به ترتیب در گروه ۲۹ سال و کمتر برابر $۷۲/۵ \pm ۸/۶$ و برای گروه ۳۰ سال و بیشتر برابر $۷۴/۴ \pm ۹/۷$ بوده است).

بحث

در مطالعه حاضر، ۲۳/۹ درصد شرکت‌کنندگان نسبت به طب مکمل نگرش مثبت داشتند و ۸/۴ درصد آنان نگرش منفی داشتند بقیه افراد نه مخالف و نه موافق بودند. ۱۰/۸ درصد، روش‌های درمانی طب مکمل را فاقد مستندات علمی همراه با آزمایشات علمی می‌دانستند... ۳۷/۳ درصد روش‌های طب مکمل را از نظر ایمنی فاقد شواهد علمی می‌دانستند. ۵۴/۷ درصد شرکت‌کنندگان روش‌های طب مکمل را تهدیدی برای سلامت عمومی می‌دانستند. از میان هفده روش طب مکمل بررسی شده در این مطالعه، بیشترین روش (۱۲ درصد) مربوط به استفاده از ماساژ درمانی بود و ۳/۷ درصد از طب سوزنی استفاده می‌کردند. بیش از ۳۰ درصد استفاده‌کنندگان از روش‌های طب مکمل به ترتیب از هومئوپاتی، ماساژ درمانی، طب فشاری، و طبیعت‌گردی رضایت خوبی داشتند و افرادی که از روش‌های ریکی، طب سوزنی، طب استئوپاتیک و کایروپراکتیک استفاده کردند راضی نبودند.

رونالد آ، در مطالعه خود نظرات ۹۴ دانشجوی سال سوم پزشکی را در مورد مفید بودن ۱۰ روش رایج طب مکمل و جایگزین را گزارش کردند، ولی ۱۳ درصد موافق و یا کاملاً موافق بودند که درمان‌های مکمل تهدیدی برای سلامت عمومی می‌باشد. ۴۵ درصد معتقد بودند که روش‌های طب مکمل به روشی علمی شناخته شده آزمایش نشده‌اند، و لذا باید در استفاده آن اجتناب شود. ۲۸ درصد اثرات درمان‌های مکمل را نتیجه اثر دارونما می‌دانستند. ۸۹ درصد درمان‌های

درصد گزارش شد (۵). با توجه به فراوانی بالاتر برخی از روش های استفاده از طب مکمل در مطالعه حاضر نسبت به مطالعه طهرانی، شاید به دلیل تفاوت در خصوصیات جامعه مورد مطالعه باشد و یا بالا بودن اطلاعات دانش آموختگان دکتری علوم پزشکی در مطالعه حاضر و عدم آگاهی عموم مردم از تأثیرات این روشها باشد. به نظر می رسد در صورت اطلاع رسانی و افزایش آگاهی مردم در مورد روشهای و اثرات آن میزان استفاده مردم بالاتر رود. کاور و همکاران در بیمارستان عمومی مالزی بعد از یک تحقیق توصیفی گزارش کردند که ۹۹/۴ درصد از بیماران از روشهای طب مکمل رضایت داشتند و ۹۱/۸ درصد آنان، تأثیر مثبت استفاده از طب مکمل را بر کنترل بیماری خود اظهار داشتند (۲۲). میزان رضایت مندی مطالعه کاور بیشتر از مطالعه حاضر می باشد. یکی از مهمترین دلایل این تفاوت شاید مربوط به این است که فرایند استفاده از روشهای طب مکمل در گزارش مطالعه کاور نشان از یک سازماندهی مناسب در بیمارستان برای ارائه خدمات طب مکمل دارد ولی در مطالعه حاضر، استفاده از طب مکمل از سازماندهی و برنامه منظمی برخوردار نبود. در ضمن شرکت کنندگان مطالعه کاور، بیماران و مددجویان بودند و شرکت کنندگان مطالعه حاضر پزشکان تازه دانش آموخته رشته های دکتری بودند.

محدودیت های مطالعه

این مطالعه از نوع توصیفی است، و روابط علیتی مرتبط با نگرش و عملکرد دانش آموختگان دوره های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی را در مورد طب مکمل و استفاده از آن را نشان نمی دهد و ممکن است در طول زمان تغییر کند، بنابراین، برای توضیح بهتر این رفتارها باید یک مطالعه طولی انجام شود. نتایج این تحقیق نگرش و میزان رضایت مندی دانش آموخته دوره دکتری متعلق به دانشگاه علوم پزشکی مازندران در ارتباط با تعداد خاصی از روشهای طب مکمل است و تعمیم آن به پزشکان و یا سایر دانشگاه های ایران یا جهان باید با احتیاط انجام شود. نتیجه گیری: حدود ۲۵ درصد دانش آموختگان دکتری به روشهای طب مکمل نگرش مثبت داشتند. عنایت به ضرورت حل مشکلات مرتبط با سلامت و مسائل مراقبتی و درمانی در ایران و سایر کشورهای جهان و رویکرد گسترده مردم برای استفاده از روشهای طب مکمل و تداخل احتمالی این روشها با طب رایج وجود دارد. تدوین و گنجاندن برنامه درسی و تحقیقاتی برای آشنایی و بهبود نگرش همه دانشجویان رشته های علوم پزشکی نسبت به روشهای طب مکمل و موارد استفاده آن، توصیه می شود.

تقدیر و تشکر

مقاله از طرح مصوب شورای پژوهشی (کد طرح ۳۰۱۴) دانشگاه علوم پزشکی مازندران استخراج شد از حمایت اداری و مالی معاونت تحقیقات و اعضای شورای پژوهشی دانشگاه و شرکت کنندگان در تحقیق تشکر می شود.

کد اخلاق IR.MAZUMS.REC.1396.3014

References

1. Kooreman P, Baars EW. Patients whose GP knows complementary medicine tend to have lower costs and live

آموختگان در مطالعه حاضر نگرش خوبی به طب مکمل داشتند ولی ۶۷/۷ درصد نگرش متوسطی داشتند به نظر می رسد علیرغم تفاوت در انواع روشهای طب مکمل در دو مطالعه، مشابهت نسبی نگرش در این دو مطالعه به طب سنتی و مکمل وجود دارد. در واقع این نگرش مثبت هم در طی دوره دانشجویی و هم بعد از دانش آموختگی نشان دهنده نیاز بالایی جامعه پزشکی به کسب اطلاعات بیشتر در زمینه طب مکمل می باشد و شاید معرفی بیشتر روشهای طب مکمل و انجام تحقیقات بیشتر مبنی بر ایمنی و اثربخشی روشهای طب مکمل در پیشگیری و درمان برخی از بیماریها توسط جامعه پزشکی به ارتقای سلامت جامعه کمک کند و ممکن است نگرش مثبت به طب مکمل را افزایش دهد.

در مطالعه ای توسط بوکولینی و همکاران استفاده از روش های طب مکمل مانند طب سوزنی، هومیوپاتی، را در برزیل بررسی کردند و شیوع مصرف روشهای طب مکمل در مردم برابر ۴٫۵ درصد گزارش شد. در مطالعه مذکور، سن بالای ۴۰ سال، زنان، سطوح تحصیلی بالاتر، بیشتر از بقیه از روشهای هومیوپاتی و طب سوزنی استفاده کردند. تقریباً نیمی از افرادی که استفاده از طب مکمل را گزارش کردند، خارج از سیستم مراقبت بهداشتی این کار را انجام دادند (۲۰). نتایج مطالعه تقریباً مشابه نتایج تحقیق حاضر می باشد و علیرغم تفاوت های جامعه مورد بررسی در دو تحقیق، میزان بکارگیری از روشهای طب مکمل مشابه به نظر می رسد. بوکولینی و همکاران انواع دیگر از روش های درمانی طب مکمل را بررسی نکردند ولی یافته های دو روش طب مکمل ذکر شده فوق، در دو مطالعه مشابه بوده و پانزده روش دیگر طب مکمل که در مطالعه حاضر ما بررسی شد، گزارشی از آن ها در مطالعه بوکولینی داده نشد.

در مطالعه ای توسط استیل و همکاران گزارش کردند که ۶۳/۱ درصد افراد در جامعه عمومی استرالیا، حداقل یکی از روشهای طب مکمل را استفاده کردند ۱ بین روشهای طب مکمل بیشترین مشاوره برای استفاده به ترتیب ماساژ درمانی ۲۰٫۷ درصد، کایروپراکتیک ها ۱۲٫۶ درصد، یوگا ۸٫۹ درصد و هومیوپاتی (۳٫۴) درصد بود. تقریباً نیمی از پاسخ دهندگان (۴۷٫۸ درصد) از مکمل های غذایی، ویتامین ها و مواد معدنی استفاده کردند، در حالی که ۱۵/۸ درصد از تکنیک های آرام سازی /مدیتیشن استفاده کردند (۲۱). نتایج این مطالعه از نظر استفاده از ماساژ درمانی به عنوان شایع ترین روش طب مکمل مشابه مطالعه حاضر ما می باشد اما میزان آن و هم چنین سایر روشهای طب مکمل در مطالعه ما کمتر می باشد که دلایل این اختلاف، احتمالاً مربوط به جامعه مورد پژوهش و تفاوت در سطح تحصیلات و یا تفاوت سنی شرکت کنندگان در دو مطالعه بود. در تحقیق استیل و همکاران جمعیت های عمومی جامعه در سنین مختلف بوده اند ولی در مطالعه حاضر ما دانش آموختگان جوان دکتری علوم پزشکی بودند و شاید نیاز به استفاده از روشهای مداخله ای برای برطرف کردن مشکلات نداشتند.

در نتایج مطالعه طهرانی و همکاران طب سوزنی ۰/۴ درصد، هومیوپاتی ۰/۵ درصد، یوگا درمانی /مدیتیشن ۱/۲ درصد، هیپنوتیزم ۰/۲ درصد، ماساژ درمانی ۳/۲ درصد، دعا درمانی / نذر ۲۰/۹ درصد، آب درمانی ۷/۷ درصد، انرژی درمانی /ریکی ۲ درصد، کایروپراکتیک ۰/۳

longer. *Eur J Health Econ.* 2012;13(6):769-776. doi: 10.1007/s10198-011-0330-2 pmid: 21695547

2. Mirzai V, Saiadi AR, Heydarinasab M. Knowledge and attitude of Rafsanjan physicians about complementary and alternative medicine. *Zahedan J Res Med Sci (ZJRMS)*. 2011;**13**(6):20-24.
3. Suganya M, Vikneshan M, Swathy U. Usage of complementary and alternative medicine: A survey among Indian dental professionals. *Complement Ther Clin Pract*. 2017;**26**:26-29. **doi:** [10.1016/j.ctcp.2016.11.005](https://doi.org/10.1016/j.ctcp.2016.11.005) **pmid:** 28107845
4. Paoloni M, Agostini F, Bernasconi S, Bona G, Cisari C, Fioranelli M, et al. Information Survey on the Use of Complementary and Alternative Medicine. *Medicina (Kaunas)*. 2022;**58**(1). **doi:** [10.3390/medicina58010125](https://doi.org/10.3390/medicina58010125) **pmid:** 35056433
5. Tehrani Banihashemi SA, Asgharifard H, Haghdoost AA, Barghmadi M, Mohammadhosseini N. The use of Complementary/Alternative Medicine among the general population in Tehran, Iran. *Payesh*. 2008;**7**(4):355-362.
6. Soleimani R, Jalali MM, Ahmadi R. Attitude of Clinical Medical Students and Residents of Guilan University of Medical Sciences about Complementary and Alternative Medicine. *RME*. 2013;**5**(1):13-21. **doi:** [10.18869/acadpub.rme.5.1.13](https://doi.org/10.18869/acadpub.rme.5.1.13)
7. Bin YS, Kiat H. Prevalence of dietary supplement use in patients with proven or suspected cardiovascular disease. *Evid Based Complement Alternat Med*. 2011;**2011**:632829. **doi:** [10.1155/2011/632829](https://doi.org/10.1155/2011/632829) **pmid:** 20981333
8. Ghanbari MA, Delpasand K, Ghanbari A. Inclusion of Traditional and Complementary Medicine in the United Nations Strategy and the World Health Organization. *Tārīkh-I Pizīshki*. 2020;**11**(41):7-22. **doi:** [10.22037/mhj.v11i41.29427](https://doi.org/10.22037/mhj.v11i41.29427)
9. Loquai C, Dechent D, Garzarolli M, Kaatz M, Kaehler KC, Kurschat P, et al. Use of complementary and alternative medicine: A multicenter cross-sectional study in 1089 melanoma patients. *Eur J Cancer*. 2017;**71**:70-79. **doi:** [10.1016/j.ejca.2016.10.029](https://doi.org/10.1016/j.ejca.2016.10.029) **pmid:** 27984769
10. Liu TG, Xiong SQ, Yan Y, Zhu H, Yi C. Use of chinese herb medicine in cancer patients: a survey in southwestern china. *Evid Based Complement Alternat Med*. 2012;**2012**:769042. **doi:** [10.1155/2012/769042](https://doi.org/10.1155/2012/769042) **pmid:** 22997534
11. AlGhamdi KM, Khurram H, Asiri Y. The welcoming attitude of dermatologists towards complementary and alternative medicine despite their lack of knowledge and training. *Saudi Pharm J*. 2017;**25**(6):838-843. **doi:** [10.1016/j.jpsps.2016.12.005](https://doi.org/10.1016/j.jpsps.2016.12.005) **pmid:** 28951667
12. Adib-Hajbaghery M, Hoseinian M. Knowledge, attitude and practice toward complementary and traditional medicine among Kashan health care staff, 2012. *Complement Ther Med*. 2014;**22**(1):126-132. **doi:** [10.1016/j.ctim.2013.11.009](https://doi.org/10.1016/j.ctim.2013.11.009) **pmid:** 24559827
13. Johnson P, Priestley J, Johnson R. Survey of complementary and alternative medicine knowledge among health educators in the united states. *American J Health Educat*. 2008;**39**(2):66-79. **doi:** [10.1080/19325037.2008.10599018](https://doi.org/10.1080/19325037.2008.10599018)
14. Johnson P, Priestley J, Johnson-porter K, Petrillo J. Complementary and alternative medicine: Attitudes and use among health educators in the United states. *America J Health Educat*. 2010;**41**(3):167-177. **doi:** [10.1080/19325037.2010.10598858](https://doi.org/10.1080/19325037.2010.10598858)
15. Tangkiatkumjai M, Boardman H, Walker DM. Potential factors that influence usage of complementary and alternative medicine worldwide: a systematic review. *BMC Complement Med Ther*. 2020;**20**(1):363. **doi:** [10.1186/s12906-020-03157-2](https://doi.org/10.1186/s12906-020-03157-2) **pmid:** 33228697
16. Chez RA, Jonas WB, Crawford C. A survey of medical students' opinions about complementary and alternative medicine. *Am J Obstet Gynecol*. 2001;**185**(3):754-757. **doi:** [10.1067/mob.2001.117484](https://doi.org/10.1067/mob.2001.117484) **pmid:** 11568810
17. Sarmana A, Uzuntarla Y. Attitudes of healthcare workers towards complementary and alternative medicine practices: A cross-sectional study in Turkey. *Europe J Integrative Med*. 2022;**49**. **doi:** [10.1016/j.eujim.2021.102096](https://doi.org/10.1016/j.eujim.2021.102096)
18. Ashraf M, Saeed H, Saleem Z, Rathore HA, Rasool F, Tahir E, et al. A cross-sectional assessment of knowledge, attitudes and self-perceived effectiveness of complementary and alternative medicine among pharmacy and non-pharmacy university students. *BMC Complement Altern Med*. 2019;**19**(1):95. **doi:** [10.1186/s12906-019-2503-y](https://doi.org/10.1186/s12906-019-2503-y) **pmid:** 31053114
19. Davati A, Jafari F, Farahani Mashhadi S. Determining Knowledge and Attitude of Tehran Medical University Students on Traditional Medicine. *Qom Univ Med Sci J*. 2011;**5**(1):13-18.
20. de Moraes Mello Boccolini P, Siqueira Boccolini C. Prevalence of complementary and alternative medicine (CAM) use in Brazil. *BMC Complement Med Ther*. 2020;**20**(1):51. **doi:** [10.1186/s12906-020-2842-8](https://doi.org/10.1186/s12906-020-2842-8) **pmid:** 32054461
21. Steel A, McIntyre E, Harnett J, Foley H, Adams J, Sibbritt D, et al. Complementary medicine use in the Australian population: Results of a nationally-representative cross-sectional survey. *Sci Rep*. 2018;**8**(1):17325. **doi:** [10.1038/s41598-018-35508-y](https://doi.org/10.1038/s41598-018-35508-y) **pmid:** 30470778
22. Kaur J, Hamajima N, Yamamoto E, Saw YM, Kariya T, Soon GC, et al. Patient satisfaction on the utilization of traditional and complementary medicine services at public hospitals in Malaysia. *Complement Ther Med*. 2019;**42**:422-428. **doi:** [10.1016/j.ctim.2018.12.013](https://doi.org/10.1016/j.ctim.2018.12.013) **pmid:** 30670278